

دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۹ ۱۶ شوال ۱۴۴۱ ۸ ژوئن ۲۰۲۰

اخبار

پاسخ خواهرزاده بهار
به حواشی دفن بالازاده

پس از انتشار نامه جنجالی خانم چهارزاد بهار، فرزند مرحوم ملک‌الشعرا بهار و خواهر مرحوم زنده‌یاد دکتر مهرداد بهار مبنی بر خاکسپاری شخصی که نمی‌شناخته روی مزار مرحوم بهار، سرویس فرهنگ یادداشتی را در اعتراض به این نامه منتشر کرد.(این یادداشت در این نشانی قابل مشاهده است.)
افشین معاصر که گویا فرزند بانو چهارزاد بهار و خواهرزاده مرحوم مهرداد بهار است، جوابیه‌ای را به شرح زیر ارسال کرده است. پاسخ به این جوابیه نیز به زودی منتشر می‌شود.

«مقاله آقای محمد آسایانی با کد خبر ۴۹۳۸۰۸۷ در روز خبرگزاری مهرنیز، خواندم. متأسفانه ایشان به بانو چهارزاد بهار-فرزند ملک الشعرا بهار و خواهر ملک مهرداد بهار-به نیش قلم زبان به پرخاش و ناسزا گشوده که شایسته خبرگزاری محترم مهرنیز نیست. برای اجرای عدالت لطفاً یادداشت زیر، به همراه تصویرها، را در نخستین فرصت منتشر بفرمایید.

می‌دانید که بانو سحر قدیمی همسر ارجمندشان مرحوم بالازاده را بی خبر و بدون رضایت خانواده بهار در مزار مرحوم ملک مهرداد بهار، در قطعه هنرمندان واقع در بهشت زهرای تهران، به خاک سپرده‌اند. با ادای احترام به یاد و خاطره زنده یاد بالازاده به دو سه نکته در زیر اشار‌های کوتاه می‌کنم.

در غروب جمعه ۹ خرداد ۹۹، پس از مشاهده مزار دگروگن شده ملک مهرداد بهار، به بانو قدیمی تلفن کردم. از گذشته می‌دانستم که امیرکاووس بالازاده شاگرد دانی مهرداد بوده؛ گفت‌وگویش با بهار را خوانده بودم و نیز کتاب «مهر و داد و بهار» که پس از مرگ استادش منتشر کرده بود. هرگز او را «گمنام» خطاب نکرده‌ایم. روحش شاد باد، ولی موضوع گفت‌وگو در اصل چیز دیگری است که به آن اشاره نشده. مادرم، بانو چهارزاد بهار و من، پس از تسلیت درگذشت همسرشان، خواستار توضیح درباره اقدام غیرقانونی، بدون اطلاع خانواده بهار، شدیم. به آگاهی بانو قدیمی رساندم که پیرو سند مالکیت صادره از دفتر مرکزی بهشت زهرا در تاریخ آبان ۷۳ در این قطعه فقط و ایستگان سببی و نسبی مرحوم بهار را می‌توان دفن کرد و اقدام ایشان بدون آگاهی خانواده بهار و رضایت همسر و فرزندان ایشان بوده است.

تاکنون خانواده بهار در نامه نگاری با وزارت ارشاد اسلامی، شورای اسلامی شهر تهران و مدیران بهشت زهرا، درباره زیرپا گذاشتن حقوق خانواده بهار و غصب مقبره مرحوم مهرداد بهار در قطعه هنرمندان واقع در بهشت زهرا، ضامیم پنج‌گانه زیر را تقدیم کرده و در انتظار پاسخ مستدل از جانب ایشان است:
الف-نامه آقای مهندس کاوه بهار – فرزند ارشد زنده‌یاد دکتر مهرداد بهار – به نمایندگی از جانب بانو دکتر زهره سرمد – همسر مرحوم بهار – و نیز خانم فرغانه بهار و آقای میلاد بهار – دو فرزند دیگر آن مرحوم – به همراه امضای ایشان برای بازگشت حقوق از دست‌رفته‌شان،به‌نام‌به امضا بانو چهارزاد بهار – خواهر مهرداد بهار – در شرح آن‌چه بدون رضایت و آگاهی خانواده بهار رخ داده است،پ‌سند رسمی و معتبر مقبره محل تدفین مهرداد بهار، صادرشده در آبان ۱۳۷۳، در دفتر مرکزی بهشت زهرا، با قید این نکته که در این مزار فقط وابستگان سببی و نسبی مرحوم بهار را می‌توان دفن کرد.ت‌تصویر سنگ مزار اصلی متعلق به مرحوم بهار که بی‌خبر و بدون اطلاع خانواده بهار برداشته‌است-تصویر سنگ جدیدی که بدون آگاهی خانواده بهار کار گذاشته‌اند.

با تقدیم احترام
افشین معاصر تهران -۱۴ خرداد ۹۹»

فرشته نوبخت، داستان‌نویس و منتقد ادبی و صاحب آثاری چون «زمستان فصل مردن نیست»، «کلاغ»، «کمی مایل به سرخ» و... در یادداشتی به بررسی رمان «جنگ کی تمام می‌شود؟» نخستین رمان منتشر شده صادق وافی، روزنامه‌نگار و کارگردان تئاتر پرداخته است. این رمان اسفند سال گذشته (۱۳۹۸) با شمارگان ۶۶۰ نسخه، ۱۶۰ صفحه و بهای ۱۸ هزار تومان توسط نشر هیلا در دسترس مخاطبان قرار گرفت. نقد و بررسی نوبخت بر این رمان را در ادامه بخوانید:
«پس از پایان جنگ جهانی دوم و افشای فجایعی مانند آشوب‌نش، جهان به ناکاه خود را با یک پریشی اساسی روبه‌رو دید. این‌که آرمان‌ها تا چه میزان قادرند انسان‌ها را از ورطه‌ی هولناکی که در آن گرفتار هستند نجات بدهند و آیا اصلاً آرمانی وجود دارد که نجات‌بخش باشد یا خیر. از آن پس بود که نخله‌های فکری با گرایش‌های هستی‌شناسانه پدید آمد که «عمل» را به عنوان یک ابزار جهت قدرت‌نمایی بشر به چالش کشانید و بحث‌های را دامن زد که می‌توان رد آن‌ها یا کسانی همچون هانا آرنت، والتر بنیامین و بسیاری دیگر بی‌گرفت. در زمینه ادبیات نیز جریاناتی موازی برقرار شد و کسانی چون برتولت برشت، آلبر کامو، سارتر و بسیاری دیگر به اندیشیدن بر روی کاغذ مشغول شدند. این‌که آیا جنگ می‌تواند راهی به رهایی بشر بگشاید و اساساً آیا راهی از جنگ ممکن است؟ و پرداختن به ضرورت‌هایی که موجب شکل‌گیری جنگ‌ها را ابتدا تا اکنون بوده است و البته همگی منجر به یک ایده خاص، یعنی «ایده‌ی شکست» بوده‌اند.

با این مقدمه می‌شود بحث پیرامون جنگ را از آرمان‌های وطن‌خواهانه و عشق به سرزمین و باورهایی ایجنینتی به سمت و سویی انسانی‌تر و کلی‌تر و جهان‌شمول‌تر کشانید و این فرصت را به ذهن داد که فرا تر از ملیت‌ها و ملت‌ها و فراتر از قیدهایی که سرزمین به مفهوم انسانیت تحمیل می‌کند، به مسئله جنگ اندیشید. یکی از این زمینه‌ها برای چنین نوع تفکری، ادبیات است و البته عالی‌ترین نوع آن رمان و سپس نمایشنامه

برنامه در گفتگو با محمود آموزگار نایب رئیس اتحادیه ناشران و

رضا حاجی آبادی مدیر انتشارات هزاره ققنوس از آنتن رادیو گفتگو پخش شد.

آموزگار در ابتدای این‌برنامه در پاسخ به این‌سوال که آیا ناشران ورشکست شدن یا کسانی که توانستند وارد فضای دیجیتال شوند، کارشان رونق پیدا کرده، گفت: این‌طور نیست که یک‌باره از نشر سنتی وارد نشر دیجیتال شویم و شاید تأثیر دوران ما این باشد که ضرورت به‌کارگیری تکنولوژی جدید بیش از پیش خود را به مصرف‌کنندگان و ناشران نشان داد.

وی درباره شرایط به وجود آمده بر اثر بیماری کرونا گفت: به‌طور کلی نه تنها در ایران بلکه در جهان نشر کسب و کار ضعیفی تلقی می‌شود و ارزش بازار کل صنعت نشر جهان کمتر از ارزش بازار دو کمپانی بزرگ دنیاست. گردش مالی کل کتاب‌های سال ۹۸ برابر با ۳ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان است؛ البته این‌ارزش بازار محسوب می‌شود و پول در گردش و نقدینگی با درآمد این‌حوزه نیست. این به معنای قابلیت حداکثری یک کسب و کار است و در نهایت به عددی معادل ۲۰۰ یا ۳۰۰ میلیون یورو می‌رسیم و این سهم ناچیزی در اقتصاد جهان است.

ورشکستگی شد با قواعد جدید بازار را به آن بپزند، زد، گفت: ما نوعی ناهنجاری در نشر خود داریم که مربوط به تعداد زیاد دارندگان پروانه نشر است. نوعی نگاه نسبت به پروانه نشر وجود دارد که آن را نوعی جواز کاسبی می‌دانند، چون روند استعلامی برای صدور پروانه و گویا تعرفی وجود دارد که ارشاد باید ملزومات آنها را فراهم کند. این ملزومات شامل کاغذ ارازان و باقی مواد مورد نیاز تا مالیات می‌شود و این باعث مواجهه ما با شکل نامالوسی از نشر می‌شود که ناشر درحال فعالیت حرفه‌ای است و حساب و کتاب کارش را دارد و این‌ها قاعداً

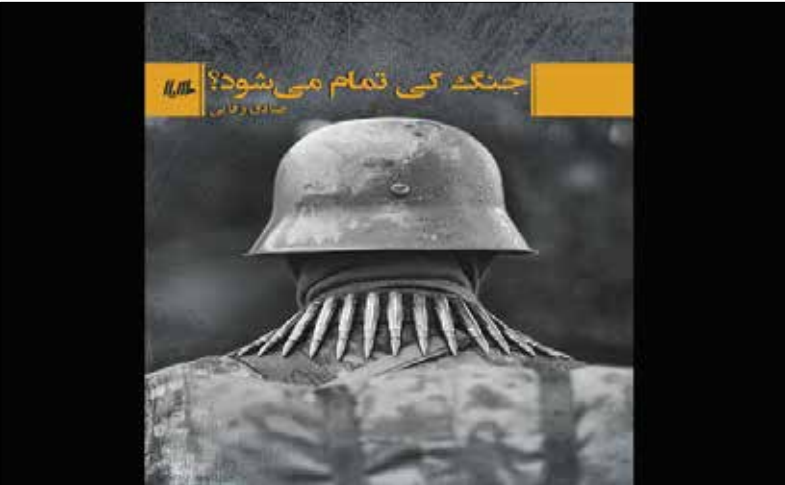
فرشته نوبخت، داستان‌نویس و منتقد ادبی و

آرام در کلیشی» اثر هنری میلر، «خفاش‌ها در آستانه خودکشی» اثر سمیح القاسم و «آزاده‌ای موتور» نیکولای یانکوف واپتساروف، از جمله ترجمه‌های منتشر شده قدیمی است.
در نقد دموکراتیک بودن کرونا بسیار می‌توان گفت. اما اگر اجازه دهید بحث را با این سوال کلی شروع کنیم که به نظر شما کرونا چه اثری بر فرهنگ طبقه متوسط جامعه ایران گذاشت و این اثر در پس از کرونا به چه صورت خود را نشان خواهد داد؟

پیش از هر چیز بگذارید این نکته را برای شما روشن کنم که به نظر من در ایران دیگر طبقه متوسط به معنای اقتصادی کلمه نداریم. جامعه امروز ایران دو طبقه است: طبقه کارگر و طبقه اشراف؛ طبقه واسطی اینجا وجود ندارد. این اشراف به نظر من تازه به دوران رسیده‌اند. یعنی معمولاً از طریق تصادف و رانت به ثروت غیر معمولی کلانی رسیده‌اند. از طرف دیگر یک طبقه متوسط فرهنگی داریم که تحصیل‌کرده و دانشگاه رفته‌اند و سطح مطالعاتی و آموزش‌شان حتی از متوسط اروپایی‌ها هم بیشتر است، اما به لحاظ اقتصادی کارگر است. یعنی برای یکسری کارفرما مشغول به کار است و نیروی کارش را به آنها می‌فروشد، آن هم با حداقل قیمت؛ حالا این کارگر یا یقه سفید است یا یقه آبی. یعنی چه مهندس باشد چه کارگر ساده در هر حال در زمره طبقه کارگر است.

اما در شرایط شیوع کرونا در این طبقه کارگر طیف یقه آبی اوضاع بدتری را پیدا کردند، چون به هر حال حقوق و مزایای‌شان به اندازه‌ای نبود که بخواهند حتی برای سه ماه آینده پولی پس انداز داشته باشند تا در شرایط قرنطینه آن را هزینه کنند.
از یک طرف این طیف پولی برای رفتن به قرنطینه نداشتند، از طرف دیگر تبلیغات غلطی توسط سیستم فرهنگی حاکمیت، صدا و سیما

ضیافتی برای جنگ



است.

در ایران، رخداد جنگ هشت‌ساله که جزئیات و وقایع آن همواره دستمایه‌ای برای پرداخته‌های نمادین و تقدس‌آلود به مفاهیم ایدئولوژیکی و دینی بوده است، امکانات سخن گفتن و اندیشیدن پیرامون مفهوم جنگ را تحدید کرده و مسئله انسان‌ها با پدیده جنگ را با پیش‌فرض‌هایی مواجه کرده است که رهایی از آن به دلیل چارچوب‌های فرهنگی در ایران، نه تنها دشوار که گاه ناممکن است. از این حیث، روبه‌رو شدن با رمانی مانند «جنگ کی تمام می‌شود» نوشته صادق وافی که سبک و نگاه ویژه‌ای را دنبال می‌کند بسیار امیدبخش است. از این رو که نویسنده در قالب آن کوشیده روزنه‌ای فراتر از محدوده‌های موجود برای اندیشه‌ورزی پیرامون یک مفهوم کلی و جهانی – و نه فرهنگی و دینی – بیابد که این در جایی خود ارزنده و قابل تامل است.

اما ببینیم، رمان «جنگ کی تمام می‌شود» چگونه از پس چنین مدعایی برآمده است؟ افلاطون اولین کسی بود که اهمیت گفت‌وگو در فهم بشر را از طریق نوشتن رساله‌هایی نظیر ضیافت یا سمپوزیوم مطرح کرد. این ایده افلاطون در این شرایط بحرانی هم می‌آیند.

آموزگار گفت: عده‌ای هم که در مقاطعی بوهای خوبی به مشامشان خورده و الان دچار مشکل شدند، یا فعالیت خود را کاهش دادند یا از صحنه خارج شدند. این مربوط به حوزه نشر می‌شود و فکر می‌کنم در حوزه کتاب‌فروشی با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستیم. ما در حال حاضر با سیستم‌های آنلاین و مجازی نیست که قبل از کرونا هم بود، روبه‌رو هستیم، اما صنعت نشر ما بخش‌های مختلفی دارد و این حلقه‌ها یک زنجیرند که کلیتی را ایجاد می‌کنند و هماهنگی بین این حلقه‌ها موضوع بسیار مهمی است. مشکل فروش آنلاین، فقدان قانون و قاعده مشخص در این رابطه است و کافیتس به دیجی کالا مراجعه کنید تا ببینید کتاب‌ها را با چه تخفیفی عرضه می‌کند و هیچ‌کس نمی‌تواند این معما را حل کند که حداکثر تخفیف ناشر ۴۰ درصد است و چطور با ۷۰ درصد تخفیف ارائه می‌شود؟

در ادامه حاجی‌آبادی درباره ورشکستگی ناشران با توجه به کرونا گفت: ورشکستگی پیش از کرونا هم وجود داشت و احتیاجی به بحران نبود، اما ما یاد نگرفتیم در مواقع بحرانی در تمام زمینه‌ها مدیریت کنیم و به‌علاوه زیرساخت‌های لازم برای نشر الکترونیک در بین ناشران، متولیان دولتی و مردم وجود ندارد. معمولاً مردم اگر قصد خرید داشته باشند، دوست دارند محصول مورد نظرشان فیزیکی باشد. دوست داریم محصول مورد نظرشان فیزیکی باشد. تمام مردم ما ظرفیت استفاده از ظرفیت‌های دیجیتال را ندارند و در این بحث تنها ناشران نیستند و افراد دیگری در عرصه نشر دخیل هستند؛ از کاغذفروش تا چاپخانه‌دار و لیتوگراف که همه درگیر شدند. این‌ناشر با تأیید صحبت‌های آموزگار مبنی بر اینکه افراد حرفه‌ای که توان مدیریت در زمان بحران را دارند، می‌توانند دوام بیاورند، ادامه

دست نامرئی بازار لیبرال‌ها حتی برای دفن مردگان‌مان نیز نیامد

و حتی تلویزیون‌های خارجی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان صورت می‌گرفت که در آنها تبلیغ و تشویق در خانه ماندن را کرده و به کسانی که بیرون می‌آمدند انگ می‌چسباندند و ترویج می‌کردند که این طیف مشت‌ی کودن احق بی‌مسئولیت‌اند. این مسائل باعث یک خشم طبقاتی چشمگیر می‌شود.

کسانی که حالا هم زندگی و سلامتی‌شان در معرض خطر ویروس کرونا است و هم از سال‌ها پیش، حداقل از سال ۸۴ به بعد، فشار اقتصادی سهمگینی را تحمل و تجربه می‌کنند، افکاری که هر روز بدتر و بدتر می‌شود، اکنون یک انگ فرهنگی و اجتماعی هم دارد به آنها می‌چسبد. این انگ اجتماعی حتی به جایی رسیده که بسیاری از کسانی که به کرونا مبتلا می‌شدند بیماری خود را اعلام نمی‌کردند. انگار آن را یک چیز بدی می‌دانند و این تنها در ایران اتفاق افتاده و می‌افتد. چرا که با تبلیغاتی که در رسانه‌ها شد هرکسی که کرونا گرفت، خود را انسانی کودن، احق و بی‌مسئولیت یافت. این در روند درمان هم تأثیرات خود را گذاشت. چون همه خواستند بیماری خود را پنهان کنند و چه بسا مرگ‌هایی که به خاطر اعلام نکردن کرونا یا حتی نرفتن به پزشک پنهان شده و می‌شود. این روند هم برای عموم بد است و هم برای کلیت اجتماعی خطر دارد.

چرا به این مرحله رسیدیم؟

به نظر من دوگانگی فرهنگی و اقتصادی حاکمیت روی این مساله کاملاً تأثیر گذاشت. حاکمیت و دولت از یک طرف از طریق تلویزیون مدام با افرادی که بیرون می‌آمدند، تحقیرآمیز برخورد کرده و خبرنگاران در گفت‌وگو با مردم در حالی که چهره مردم را نشان می‌دادند، مدام سعی در ابله نشان دادن آنها داشتند، از طرف دیگر همین حاکمیت شرایط اقتصادی حداقلی را برای طبقه بی سهم جامعه ایجاد نمی‌کرد که مردم در قرنطینه بمانند.

روزنامه‌صبح ایران

امتیاز

ضیافتی برای جنگ

زبان فارسی، چنان‌که آثار ترجمه‌ای توانسته‌اند، دور سازد. ما در رمان «جنگ کی تمام می‌شود» با زبان و لحنی روبه‌رو هستیم که چارچوب‌های فرهنگی خود را حفظ کرده است. زبانی که در تضاد با زبان افسر روس، آلمانی و آمریکایی قرار گرفته و این فاصله تا انتها حفظ می‌شود. فاصله‌ای که نه یک نقص، بلکه امتیازی برای فاصله‌افکنی میان ذهن مخاطب و نویسنده با ذهنیت جهانی جنگ است. این چنین است که رمان به محاکاتی بدل شده که در آن ما آگاهانه به تماشا نشستیم؛ بی‌آنکه قادر به هم‌ذات‌پنداری با هیچ‌کدام از شخصیت‌های رمان باشیم و این فرصتی فراهم می‌سازد تا با دیدگاه‌های خودمان در این ضیافت شرکت کنیم.

اما این سبک، چه کمکی به ساختار بخشی مفاهیم در رمان «جنگ کی تمام می‌شود» کرده است؟

این شیوه برخورد با زبان و ساختار رمان، ایده اصلی نویسنده را برای ساختن فضای گفتمانی و چند وجهی تحقق بخشیده است. به طوری که باور و نظریه خاصی در کلیت رمان غالب نیست. شاید از این حیث باشد که برخی این رمان را فاقد نگاهی ضد جنگ و مشخص دانسته‌اند. حال‌آنکه این اثر را می‌بایست فاقد سوگیری و جهت‌گیری مشخص دانست که این خود، دیدگاهی ضد جنگ است. چرا که جنگ از اساس همراه با سوگیری و جهت‌گیری است و منتکر است. نویسنده تلاش کرده، افسر آلمانی، سرباز روسی و زن آمریکایی، نماینده نوعی از تفکر – فارغ از آنچه ذهنیت قضاوت‌گر و تاریخی ما از آلمان، روسیه و آمریکا می‌شناسد– باشند، و در این تلاش گفتمانی تا حد بسیار زیادی موفق بوده است. ذکر این نکته در پایان ضروری به نظر می‌رسد اولین رمان صادق وافی که نمایشنامه رادیویی موفقی نیز از آن اقتباس شده است، از جنبه‌ای عمیق‌تر، منظری متفاوت و جسورانه به پدیده‌های انسانی و جهانی مانند جنگ، عشق، مرگ و مفاهیمِ آن‌ها می‌گشاید.»

گردش مالی کتاب‌های سال ۹۸ چقدر بوده است؟



داد: عکس این‌موضوع شامل کسانی است که یارانه دولتی گرفتند و یک‌مؤسسه انتشاراتی برپا کردند و حالا هم صدایشان بلند شده که دولت ما به کمک نمی‌کند و این دست انتشاراتی‌ها نمی‌توانند دوام بیاورند. به‌دلیل اینکه زیرساخت‌های لازم را برای زیرساخت‌های نشر نداشته‌ایم، از ظرفیت بحران کرونا نتوانستیم به‌خوبی استفاده کنیم تا مردم کتابخوان شوند.

حاجی‌آبادی با رجوع به تاریخ کشور درباره علل کتاب‌خوانی گفت: در جهان سوم و ممالک شرقی فرهنگ شفاهی بیشتر از فرهنگ مکتوب جریان دارد و مردم دوست دارند قصه‌های خود را از راه رادیو

بشوند و تغییر این ذائقه تاریخی دشوار و زمان‌بر است. وی در پایان، در پاسخ به اینکه چرا چنین شرایطی داریم، گفت: این ذائقه تاریخی است و اگر به ملل شرقی دیگر نگاه کنیم، متوجه جایگاه خاص داستان خوانی بین آنها می‌شویم؛ یعنی مردم برای ارتباط بیشتر به‌صورت شنیداری به هم مربوط می‌شدند و چندان نشر مکتوب نداشتند.

مسلماً هر انسانی و حتی هر حیوانی که خود و زندگی‌اش را در خطر ببیند از مسکن خود بیرون نمی‌آید. حتی یک آهو در جنگل اگر دورتر را حیوانات درنده گرفته باشند به طور غریزی از مخفیگاه و یا پناهگاهش بیرون نمی‌آید. انسان هم همینطور است. حتی اگر آموزش و فرهنگ را به کنار بگذاریم، میل به بقا و میل صیانت نفس در همه هست؛ وقتی کسی مجبور می‌شود این کار را بکند قطعاً یک شرایط خاصی دارد و آن شرایط در ایران مسلماً اقتصادی است. دولت از نظر اقتصادی این امکان

را از مردم بویژه از طبقه کارگر می‌گیرد و در عین حال تحقیرشان هم می‌کند و این منجر به یک خشم طبقاتی می‌شود. به نظر من پس از کرونا از اعتراضات کارگری و طبقاتی به خشم صنفی و طبقاتی خواهیم رسید. این خشم چه مختصاتی خواهد داشت و چه جریانی را درست می‌کند؟ آیا چیزی شبیه به مساله گران کردن بنزین توسط دولت خواهد بود؟

مسلماً در بزنگاه‌ها این خشم خود را با مختصات ویژه‌اش نشان خواهد داد. به نظر من طبقه بی سهم‌های ایران، مترصد فرصتی خواهد بود تا این خشم را آشکار کند. بخشی از خشونت ماجرای بنزین به خاطر خشم به‌حق بود که در بسیاری به دلیل رفتار و کنش دولت ایجاد شده بود. رئیس دولت صحبت‌هایی کرد مبنی بر اینکه من تازه از جمعه یا شنبه فهمیدم بنزین گران شده است و... این بی‌مسئولیتی و تحقیر مردم باعث همان خشم شد. شما وقتی مردم را تحقیر می‌کنید نباید انتظار داشته باشید که انگش‌شان غیرخشمگین باشد. به نظر من وضعیت در شیوع کرونا بدتر شده و این خشم به مراتب بیشتر شده است.

از طرف دیگر همه شاهد بودند که دولت مدام اخباری مبنی بر نداشتن بودجه برای اعمال شرایط قرنطینه منتشر می‌کرد، حتی تصمیم مسلمان در بزنگاه‌ها این خشم خود را با مختصات ویژه‌اش نشان خواهد داد. به نظر من طبقه بی سهم‌های ایران، مترصد فرصتی خواهد بود تا این خشم را آشکار کند. بخشی از خشونت ماجرای بنزین به خاطر خشم به‌حق بود که در بسیاری به دلیل رفتار و کنش دولت ایجاد شده بود. رئیس دولت صحبت‌هایی کرد مبنی بر اینکه من تازه از جمعه یا شنبه فهمیدم بنزین گران شده است و... این بی‌مسئولیتی و تحقیر مردم باعث همان خشم شد. شما وقتی مردم را تحقیر می‌کنید نباید انتظار داشته باشید که انگش‌شان غیرخشمگین باشد. به نظر من وضعیت در شیوع کرونا بدتر شده و این خشم به مراتب بیشتر شده است.

از طرف دیگر همه شاهد بودند که دولت مدام اخباری مبنی بر نداشتن بودجه برای اعمال شرایط قرنطینه منتشر می‌کرد، حتی تصمیم

اخبار

مجموعه کتاب‌های جامعه‌شناسان کلیدی به فارسی ترجمه می‌شود

۶ جلد از مجموعه کتاب‌های جامعه‌شناسان کلیدی به بیان آرا و اندیشه‌های جامعه‌شناسان بزرگ و مطرح جهان نظیر؛ کارل مارکس، امیل دورکیم، زیگموند فروید، اروینگ گافمن، نوربرت الیاس، زیگموند باومن و دنیل بل می‌پردازد، ترجمه و در مراحل نهایی ویرایش و انتشار قرار گرفته است.

مریم نوتاش مسئول روابط عمومی نشر بایا به مهر گفت: پیشتر مکاتبات متعددی با مسئولان انتشار راتلج صورت گرفت که در نهایت موافقت ضمنی این افراد به منظور انتشار این مجموعه به زبان فارسی حاصل و مقرر شد مکاتباتی با نویسندگان این آثار انجام شود تا کلیه نویسندگان کتاب‌های مذکور برای ترجمه آثار به فارسی مقدمه‌ای را به دبیر مجموعه و سروراستار زبان فارسی ارائه کنند. طی روزهای اخیر این مهم صورت گرفت و نتیجه سه عنوان از کتاب‌های مذکور نیز مشخص شد.

وی افزود: نظر به اینکه موافقت از سوی ناشر اصلی صورت گرفته ولیکن هنوز به تعداد نهایی این آثار اشاراری نشده است نشر بایا درنظر دارد پس از چاپ چند مجلد از این مجموعه سایر آثار آن را نیز که در مجموع ۱۵ مجلد برآورد می‌شود، ترجمه کند.

نوتاش ضمن تأیید این مطلب که این تعداد سوای ترجمه چند اثر از این مجموعه به فارسی است که پیشتر از سوی مترجمان و سایر ناشران ترجمه و به چاپ رسیده است، گفت: این چند مجلد به نظر می‌رسد از سوی چند نفر از مترجمان برجسته و حرفه‌ای علاقه شخصی به جامعه‌شناس مورد نظرشان ترجمه شده است. عدم ذکر این مسئله که این مجدها متعلق به مجموعه مهم و بزرگی هستند نه تنها باعث شده که کیفیت کار بسیار متفاوت شود بلکه عملاً مجموعه را از حیث محتوایی با مسئله مواجه کرده است که برایم پس از چاپ آثار اولیه و برآورد نهایی نوتاش ضمن تأیید این مطلب که این تعداد سوای ترجمه چند اثر از این مجموعه به فارسی است که پیشتر از سوی مترجمان و سایر ناشران ترجمه و به چاپ رسیده است، گفت: این چند مجلد به نظر می‌رسد از سوی چند نفر از مترجمان برجسته و حرفه‌ای علاقه شخصی به جامعه‌شناس مورد نظرشان ترجمه شده است. عدم ذکر این مسئله که این مجدها متعلق به مجموعه مهم و بزرگی هستند نه تنها باعث شده که کیفیت کار بسیار متفاوت شود بلکه عملاً مجموعه را از حیث محتوایی با مسئله مواجه کرده است که برایم پس از چاپ آثار اولیه و برآورد نهایی نوتاش ضمن تأیید این مطلب که این تعداد سوای ترجمه چند اثر از این مجموعه به فارسی است که پیشتر از سوی مترجمان و سایر ناشران ترجمه و به چاپ رسیده است، گفت: این چند مجلد به نظر می‌رسد از سوی چند نفر از مترجمان برجسته و حرفه‌ای علاقه شخصی به جامعه‌شناس مورد نظرشان ترجمه شده است. عدم ذکر این مسئله که این مجدها متعلق به مجموعه مهم و بزرگی هستند نه تنها باعث شده که کیفیت کار بسیار متفاوت شود بلکه عملاً مجموعه‌ای ماندگار را در آشنایی با معرفت جامعه‌شناسی در کشور به یادگار بگذاریم.

مسئول روابط عمومی نشر بایا افزود: بنا بر پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته زمان چاپ این مجموعه به تدریج از ابتدای تابستان سال جاری خواهد بود. مترجمان این آثار زینب مسلمانراه، پریسا این‌ممن، روح انگیز شعائین و پرنین مجدلیه هستند و دبیری و سروراستاری این مجموعه را محمد میلانی برعهده دارد.

ترجمه‌ای تازه‌ای از کتاب ژیزک درباره کرونا آماده انتشار است

ترجمه دیگری از کتاب اکنون معروف ژیزک درباره کرونا توسط انتشارات نقد فرهنگ در شرف انتشار است.

این ترجمه با عنوان «هراس جهانی؛ کووید ۱۹ جهان را می‌لرزاند (ظهور دوبارهٔ کمونیسم در جهان پساکروناوی)» به قلم شهریار پاک‌نیا و ویراستاری بیزن عبدالکریمی است. این کتاب با ترجمه هوشمند دهقان منتشر شده و ترجمه دیگری از آن به قلم کامران برادران و همکارانش نیز در شرف انتشار است.

این کتاب دربرگیرنده درک و دریافت اسلای ژیزک فیلسوف معروف اروپا از بحران کروناست و خلاف دیگر آثار او، به زبانی ساده و روان نوشته شده است. کتاب «عالمگیر» نه پیچیده است نه فلسفه محض. این‌کتاب با یک نکته، نشان می‌دهد چگونه کرونا، ویروس دنیا را تکان داد چون به نظر او، دیگر دنیا مثل سابق نخواهد بود.

ژیزک فصل اول «عالمگیر» را با نقل قولی از اریل شروع کرده است: آنجاکه عیسی پس از رستاخیزش به مریم مجدلیه می‌گوید: مرا لمس کن (انجیل یوحنا باب ۲۰ آیه ی ۱۷) مسیح پس از رستاخیزش به پپروان خود می‌گوید: مرا لمس مکنید، در عوض، دیگرا را با محبت نوازش کنید و با آنان به هم‌رانی رفتار نمایید. ژیزک پس از نقل این آیات نوشته است: «با این حال امروز در بخبوحه‌ی همه‌گیر شدن ویروس کرونا، یکریز به ما سفارش می‌کنند که دیگران را لمس نکنید... فقط از دورست که می‌توانیم به همدگر نزدیک بشویم، و چشم‌های ما پنجره‌ای است که به درون باز می‌شود. این روزها وقتی آشنایی (یا حتی غریبه‌ای) را می‌بینیم و فاصله‌ی مناسب را حفظ می‌کنیم یک تکان عمیق به چشم طرف مقابل می‌تواند احساساتی بیشتر از نوازشی خودمانی را بروز دهد.»

این‌فیلسوف سرشناس در فصل چهارم کتاب هم گریزی همون به ایران زده و از قول ایرج حریرچی می‌خوان وزیر بهداشت ایران نوشته ویروس کرونا، ویروس دموکراتی است؛ فقیر و غنی نمی‌شناسد، مسئول و غیر مسئول نمی‌شناسد. ژیزک معتقد است که برابر این ویروس، همگی در یک قایق نشسته‌ایم.

فصل‌های بعدی کتاب موردنظر در خدمت نگاه ناقدانه اسلایو ژیزک به سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی حکومت‌های دنیاست. ضمن اینکه از دادن جواب به منتقدان خود مثل جورجیو آگامبن هم غافل نمانده است. ژیزک با شور و شوق همیشگی‌اش برای استفاده از تمثیل‌های موجود در فرهنگ علامهٔ صفحات کتابش را با گفتارهایی از کونتین تارانتینو، هربرت جورج وِلز، هگل و مارکس آراسته و تصویری موجز از بحرانی به دست داده که همچنان وجود دارد و زندگی انسان‌ها را تهدید می‌کند.